

هماوایی نور و رنگ در فضای شهری ایرانی

دکتر فرح جیب *

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۱۲/۱۲
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۵/۲/۶

چکیده:

بازار یکی از ارکان اصلی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی شهر سنتی ایرانی است. فضای شهری ایرانی است که تعاملات اجتماعی را در بستری تاریخی فرهنگی پذیرا شده و واجد ارزش های کیفی و هنری والاست. نگرش علوم جدید در وهله اول به جنبه کارایی و عملکردی و کمی امور نظر دارد تا جایی که آن جنبه را حتی الامکان از همه معانی ضمنی کیفی اش منتزع می سازد. جهان ما به مثابه نسجی است که از رشته های به هم تنیده تار و پود فراهم آمده است. رشته های پود که افقی اند، مظهر روابط علی، که از لحاظ عقلی قابل واریسی و کماً محدود اند محسوب می شوند و رشته های عمودی تار، با ذات کیفی امور مطابقت دارد. علم و نگرش شهرسازانه جدید عمدتاً در جهت افقی پود، تحول و تکامل یافته است، در حالی که باید به عمودیت تار متعالی و برشونده، رجوعی دوباره کرد تا نسجی متعالی پدیدار شود. در این مقاله با مروری بر تعریف بازار، نقش و جایگاه آن در شهر ایرانی و بررسی انواع آن، تأکید به طور عمده بر تحلیل ارزش های هنری، شکلی و کیفی فضا است، در این رابطه سرای مشیر از بازار شیراز به عنوان فضای شهری واجد ارزش همخوان با فرهنگ و هویت ایرانی طرح و بررسی گردیده است.

واژه های کلیدی:

فضای شهری ایرانی، ارزش های کیفی، احساس تعلق به مکان، حیات اجتماعی شهر، خاطره جمعی شهروندان.

مقدمه

قدرت ویژه خود و شیوه‌های تولید مخصوص به خود و ساختار و بافت کالبدی خود را دارد که سعی می‌کنند عوامل و دلایل کامیابی یا زوال شهرها را در روند تحولات تاریخی بررسی و نقد کنند.

شهرسازان به شهر چونان عرصه عملی می‌نگرند که نیازمند دانش، شناخت و تجربه آنها در سازماندهی و بازسازماندهی مجدد خویش است، لذا می‌کوشند به فضا، بافت و کالبد شهر در راستای پاسخ به خواست‌های استفاده‌کنندگان و آمال و آرمان‌های جامعه شکل دهند.

شهرسازی مدرن با بی‌توجهی به مسائل کیفی فضای شهرها و اولویت دادن به مسائل کمی و خصوصاً تأکید بر نقش اتومبیل و مشکلات ترافیکی (که در جای خود به جا و بسیار نیکوست) و تکیه بر روش‌های فنی به جای توجه به نیازهای واقعی ساکنین شهرها و اساساً نادیده گرفتن مردم با عدم موفقیت روبروست، چرا که مردم با محیط زیستشان که پیوستگی تمام با تاریخ و فرهنگ آن دارد در آمیخته‌اند. منبع این احساس هویت، معماری شهر و داستان پیچیده حیات شهرهاست که آگاهی از آن می‌تواند پیوند با مکان، احساس تعلق خاطر و تعاملات اجتماعی را دامن زند. پس اگر معتقدیم که باید فضای شهر مناسب زندگی ساکنانش باشد، باید وضعیت فعلی شهرهایمان را تغییر داده در پی ایجاد آینده‌ای باشیم که در آن از تمام توان‌های بالقوه و بالفعل مثبت و دستاوردهای غنی شهرهای کهنمان که ریشه در خاک این سرزمین دارند استفاده به عمل آوریم و جنبه‌های کیفی فضاهای شهرها را هم ردیف جنبه‌های کمی آن به حساب آوریم.

در این مقاله گوشه‌ای از ارزش‌های شکلی و کیفی سرای مشیر از بازار شیراز به عنوان فضای شهری واجد ارزش **همخوان با فرهنگ و هویت ایرانی**، طرح و بررسی گردیده است. در این رابطه نگاهی داریم گذرا به تعریف بازار و جایگاه آن در شهر سنتی ایرانی، انواع بازار و نهایتاً معرفی سرای مشیر با تحلیلی از ارزش‌های شکلی و کیفی آن.

شهر محیطی است که در آن انسان‌ها زندگی کرده، کار و رفت‌وآمد می‌کنند، در تعاملات اجتماعی با یکدیگر دیدار و مراوده کرده، بر دانش خود می‌افزایند، خود را سرگرم ساخته، تفکر کرده و آمال و آرزوهایشان را می‌پروراند.

پر واضح است که امکانات شهرها با جمعیت، وسعت، شمار نهادها و قدرت زندگی اقتصادی، تجاری، اجتماعی و فرهنگی آن متناسب است. اما ساکنان شهرها بسته به خاستگاه، تحصیلات، سوابق زندگی، تعلق به حوزه‌های فرهنگی، علائق حرفه‌ای و هدفهایشان از محیط شهری پیرامونشان ادراک‌های متفاوت دارند در نتیجه نگرش و رفتارهایی متفاوت با شهرشان دارند. شهر برای بسیاری از مردم به طور ساده، مکانی است برای زندگی و کار و رفت‌وآمد میان این دو، در حالی که گروهی دیگر به شهر چون محیطی بسیار پیچیده می‌نگرند که عرصه بسیار وسیع‌تری را در برابرشان می‌گستراند؛ مثلاً برای شهردار و اداره‌کنندگان شهر، شهر اساساً موجودیتی سیاسی است که باید مشکلات اداره آن را به نفع ساکنانش حل کرد، لذا شهر نیاز به رهبری دارد تا به شهر کیفیت و منشی خاص خود ببخشد تا آن را از سایر شهرها متمایز سازد. روشنفکران، پژوهشگران، فیلسوفان و هنرمندان در شهرها به جستجوی تضادهایی برمی‌خیزند که موجب کار خلاق و ترکیب اندیشه‌هایی می‌شود که برای برانگیختن تخیلشان بدان نیاز دارند^۱. شهرها برای مردمی که در حومه آنها زندگی می‌کنند حکم آهن‌ریا را دارند چرا که با فرصت‌هایی که برای کسب درآمد و تفریح می‌آفریند و وعده — یا سراب — زندگی بهتری که ارائه می‌دهد، به مهاجرت از روستا دامن می‌زند و با اینکه تجربه تاریخی نشان داده غالباً مهاجران از مزایای زندگی شهری برخوردار نیستند، اما هنوز امیدوارند که با اقامت در حوزه‌ای شهری بتوانند یک یا دو پله از نردبام سلسله مراتب اجتماعی بالا روند (تاچرمان، ۱۳۶۹).

تاریخ‌نویسان شهری، شهرها را چون روند مداوم توسعه ترسیم می‌کنند که از دوره‌های متوالی و سبک‌های گوناگون تشکیل شده است، لذا هر دوره مفهوم توسعه‌ای خاص خود، روش‌های اعمال

فارسی میانه است. در دانشنامه جهان اسلام نیز مصرحاً قید گردیده است که بازار ایرانی با ویژگی های خود زبان زد جهانیان بوده و واژه ایرانی بازار به بسیاری از زبان های جهان با همان لفظ و تلفظ درآمده است. آنچه مسلم است بازار از بدو حیات اجتماعی شهر و با تقسیم کار و لزوم مبادلات همراه و همپای شهرنشینی و از مظاهر تمدن شهری بوده است. اماد این مقاله قصد مرور تاریخی بازار مدنظر نیست. آنچه از شواهد موجود در شهرها به عنوان بازار سنتی باقی است عمدتاً متعلق به پس از نیمه قرن ۱۳ میلادی است (دانشنامه جهان اسلام، ص ۳۱۷). با این حال مسلم است که صورت های کمال یافته بازارها در قرن سیزدهم نتیجه تحول و تکامل تدریجی و طولانی است که دامنه آن به چندین قرن قبل از این تاریخ می رسد. در اینجا لازم به توضیح است که بازار سنتی که در اینجا صحبت از آن است و شریان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی شهر است تنها از دکان ها تشکیل نشده بلکه از کاربری ها و اجزاء خدماتی متعددی تشکیل شده است که عبارتند از: معابر (شامل: سردرها، راسته های اصلی و فرعی، دالان ها، چهارسوها و تقاطع ها)، کاربری های تجاری و خدماتی (شامل: دکان ها، کارگاه های تولیدی و تعمیری، خدماتی، قیصریه ها، تیمچه ها، سراها و کاروانسراها)، کاربری های آموزشی و فرهنگی (شامل: مساجد و حوزه های علمی و مدارس) و سایر فضاهای خدماتی از قبیل: حمامها، قهوه خانه ها، خوارک پزخانه ها، زورخانه و ...

تعریف بازار

واژه بازار در فارسی میانه؛ وازار با ترکیب هایی چون وازارگ (بازاری)، وازارگان (بازرگان) و وازارگانیه (بازرگانی)، وازارید (رئیس بازار) در کتیبه سه زبانه شاپور اول در کعبه زرتشت، به صورت رستگ - ی- وازار rastag-i-wasar (راسته یا رسته بازار)؛ در دینکرد مدن (ص ۷۵۷)، در پارتی وازار waszar (در درخت آسوریک ص ۷۷-۷۶) و در پازند wazar آمده است (دانشنامه جهان اسلام، ص ۳۱۴).

این واژه احتمالاً از صورت مفروض ایرانی باستان Vaha-Carana (دهخدا، ص ۳۴۸) گرفته شده است که ترکیبی است از Vaha در فارسی میانه، "بها" در فارسی دری و جزء دوم آن Carana (بارتولومه، ستون ۵۸۱) از ریشه Car پسوند Zar در فارسی میانه و زار در فارسی دری به معنای جایگاه و مکان (مانند گلزار، شنزار، بیشه زار و ...) مجموعاً به معنای جایگاه دادوستد (دانشنامه جهان اسلام، ص ۳۱۴) است.

این واژه ایرانی، از راه بازرگانی، از یک سو به عربی، ترکی عثمانی و زبانهای اروپایی و از سوی دیگر به زبان سرزمین های هند و سیلان راه یافته است (بریتانیکا، ذیل bazaar) لغت فرانسه بازار از پرتغالی گرفته شد و پرتغالیان نیز از ایرانیان گرفته اند (حاشیه برهان قاطع، دکتر معین، جلد ۱، ص ۲۱۸). در ترکیه از روزگار عثمانیان به بازار سرپوشیده اصلی و بزرگ، چارشی Carssi یا چارشو گفته می شود که برگرفته از چارسو - چهارسوق فارسی دری و چهار سوگ



۳- بازار قزوین



۲- بازار شیراز



۱- بازار رشت



۶- بازارگاه - کلن



۵- بازار هفتگی - کهنه بازار



۴- نمونه ای از یک بازار جدید - خطی محوری

جایگاه بازار در شهر سنتی ایرانی - اسلامی

این مبحث محل توجه و موضوع تفحص و تحقیق بسیاری از جغرافی دانان، خاورشناسان و مخصوصاً اسلام‌شناسان قرن بیستم بوده است. بعضی از آنان بازار را بخش اساسی و هسته مرکزی شهر اسلامی خوانده‌اند (ماسینیون، ص ۴۷۴) بعضی دیگر مسجد جامع را (یلانول، ۱۹۶۸، ص ۴۹) و برخی هر دو را (گرونه باؤم، ص ۱۴۵) گروهی دیگر با استناد به متون کهن تاریخی شهر را متشکل از سه رکن اصلی، ارک، مسجد جامع و بازار دانسته‌اند (اشرف، ص ۲۳) و سرانجام برخی نیز عناصر مهم ساختی این شهرها را مسجد، بازار، ارک حکومتی، هسته محله‌های مسکونی و دیوار و بارو و دروازه شهر شمرده‌اند (توسلی، ص ۳۶۴).

به هر حال همبستگی مسجد جامع و بازار و اهمیت ایندو در ساختار بنیادی شهر اسلامی امری مشهود و عینی است، اینکه تا روزگاری دراز زندگی و فعالیت اقتصادی - اجتماعی، مذهبی و سیاسی شهرها در بازار ظهور و بروز داشته است، قطعی است. هنوز هم در ذهن بسیاری از مردم بازار مرکز همه فعالیت‌های شهری است (سان لیور، ص ۲۷، به نقل از دانشنامه جهان اسلام). نمودار شماره ۱ گونه‌شناسی بازار به لحاظ زمانی، ساخت کالبدی، نوع، حوزه عملکرد، مدیریت و نحوه اداره بازار را نمایش می‌دهد.

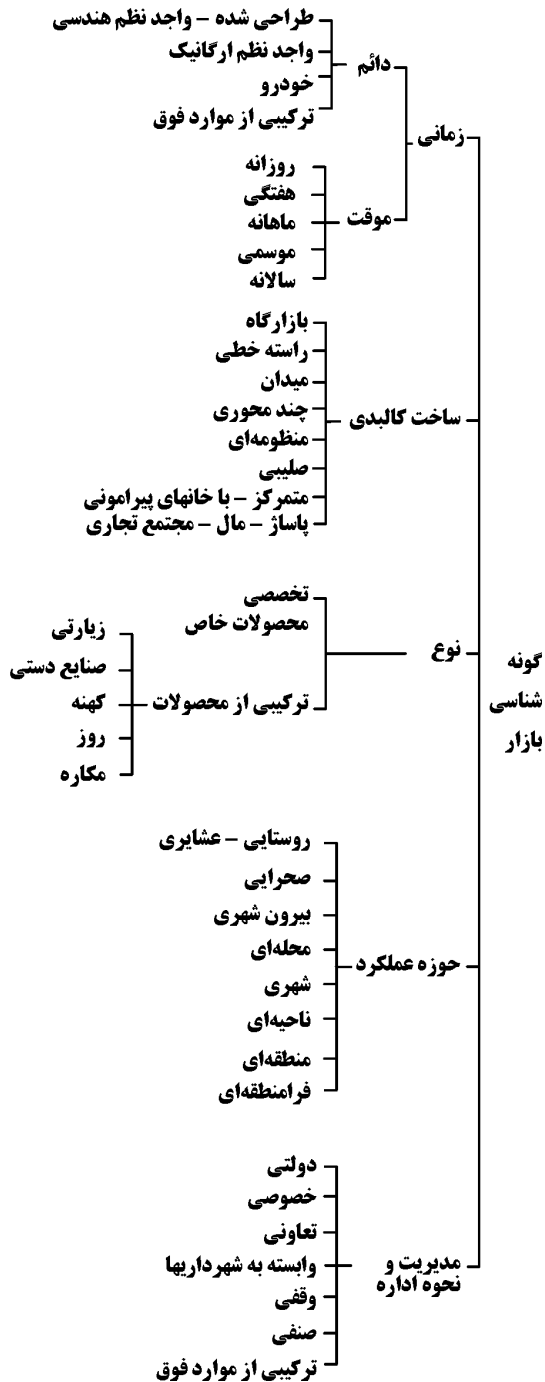
● پس در یک جمع بندی می‌توان مصرحاً عنوان کرد:

بازارهای سنتی شهرهای ما، فضای شهری سنتی ایرانی جایگاه تعاملات اجتماعی، نمود انگاره شهرنشینی، بروز هویت و حیات اجتماعی شهر، تجلیگاه تاریخ و خاطره جمعی شهروندان و بازتاب ارزش‌های قومی و فرهنگی آن تمدن شهر است.

نمودار ۱- گونه‌شناسی بازار



بافت قدیمی شیراز





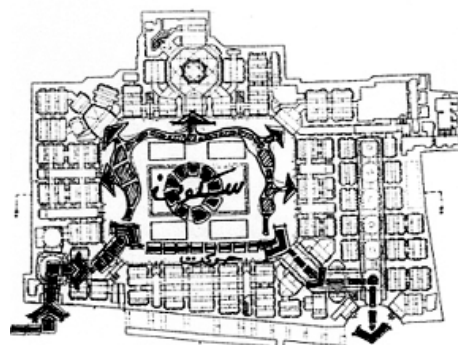
۹ - چهار کنج حیاط با ۴۵ درجه تلطیف و تاکید شده است.



۸ - کنج های حیاط که با پوشش گنبدی تاکیدی مضاعف بر مفصل های حرکتی می گذارد.



۱۰ - آب مهم ترین ویژگی حیات ایرانی با فواره های در مرکز حس وحدت - رجوعی به اصل - آب مایه حیات



حرکت، سکون، چرخش، گردش



۷ - ورودی حیاط به سمت بازار مشیر از کنجی با زاویه ۴۵ درجه عمقی که تضاد نور و سایه آن را به دیده می آورد.

هر باغبان که گل از سوی گلشن آورد

شیراز را دوباره به یاد من آورد

حافظ

معرفی سرای مشیر

سرای مشیر از نمونه سراهای جذاب بازار شیراز است که در اصلی آن در سمت چپ در خروجی بازار وکیل قرار دارد و بر سر در آن تاقی است که به وسیله کاشی هفت رنگ مقرنس کاری شده است. بر سر در این تاق روی کاشی آبی رنگ به خط نستعلیق نوشته شده است:

سرای مشیر (گلشن) در زیر این نوشته کتیبه ای سنگ مرمر نصب شده که بر آن نوشته ای است مبنی بر اینکه این سرا را حاجی میرزا ابوالحسن مشیرالملک ساخته و **وقف بر سیدالشهدا** کرده است. متن این وقف نامه به نقل از الله قلی اسلامی (کیانی، ۴۵۴) چنین است:

این خوان بلند ایوان و سرای مشیدالارکان که مجمع ارباب فطن و موسوم به سرای گلشن است از مستحدثات جناب جلالتماب خداوند کلک و دفتر فاطمی هاشمی نسب (حسب) میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک مملکت فارس است که با متعلقات و منظمات از تیمچه و بازارچه و غیره با تمام وقف ساخته بر بضعه بتول فرزند رسول خامس آل عبا حضرت سیدالشهداء و از قرار وقفنامه علیحده بشروط مستوره در آن که از آن جمله شروط **این دو شرط** است که درین صفحه حجر منقوش می گردد اول آن که متولی

شرعی که معین در وقفنامه است اجازه ندهد هیچ جزئی از اجزای این سرای را با حدی زیادی از یکسال مگر آن که بعد از تجدید هر سنه تجدید عقد نماید بهمان مدت یکسال و شرط دیگر آن که متولی حین اجاره شرط نماید بر مستاجر که پس از انقضای زمان اجاره مدعی **حق السکنی و سرقفلی** نباشد. بهیچ رسم و رسم. بهیچ صیغه و لفظ چنین ادعایی ننماید از حال الی ظهور قائم آل محمد صل الله علیه و آله و مختلف از عموم شرایط و خصوص این دو شرط و لعن سرمدی حضرت سبحان واقف بر هر آشکار و نهان باد فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۸۲ کتبه العبد المذنب میرزا کوچک.

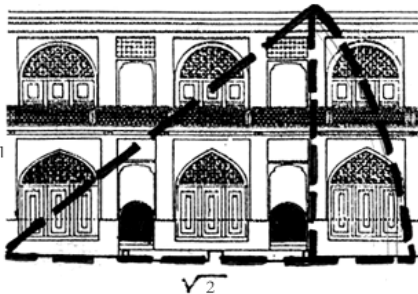
غیر از این در که شرح آن گذشت، در دیگری نیز از طریق بازار مشیر به سرای مشیر وارد می شود. سرا دارای حیاط بزرگی است که دورادور آن حجره هایی دو طبقه است و در وسط حیاط حوضی سنگی با ۳ فواره قرار دارد که در اطرافش درختان نارنج کاشته اند. تمام درها و دریچه های حجره ها از چوب و با اشکال هندسی و شیشه های رنگی به نحو بسیار زیبا تزئین شده است. در بالای تمام درها تاق نما و پیشانی حجره ها کاشی کاری های بسیار زیبا وجود دارد. این بنا که سرای گلشن نیز خوانده می شود چنان درخشندگی هنری دارد که از مکان های اصلی دیدنی شیراز است و در حجره ها و دکان های آن کارهای هنری، سنتی و دستی عرضه می شود. حتی رفوکاری فرش که نمایشگر انجام فعالیت های تولیدی، تعمیر و مرمت در گذشته های دور بازار است هنوز در آن جریان دارد.

تحلیلی از ارزش‌های شکلی و کیفی سرای مشیر

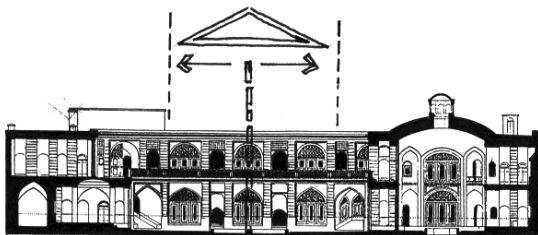
یافته و فضا را تجربه کنیم. تهیه تصاویر، طرح‌ها و متون به دنبال مشاهده و تجربه شخصی به کمک می‌آیند. درسی که در اینجا می‌آموزیم هم فلسفی و هم ادراکی است.

در واقع با نگاهی جستجوگر به فضای شهری سنتی ایرانی به دنبال یافتن ویژگی‌ها و ارزش‌های شکلی مسلمی هستیم که زمانی نه چندان دور با کمک غریزه و قوه خیال و دانش و نبوغ انسانی (که به نوبه خود تحت تسلط فرهنگ، سنت، زمان و مکان قرار دارد) درک شده و به جلوه کالبدی آراسته گردیده است.

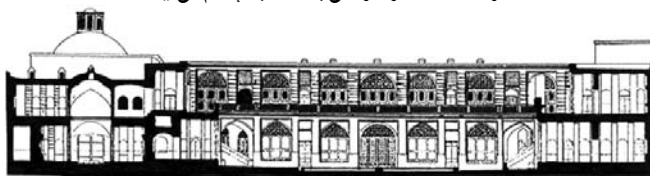
پرواضح است که فضای شهری ایرانی را نمی‌توان با استانداردهای غربی از فضای شهری بررسی کرد. عناصر شهری مذکور هرچند از لحاظ ناشناختگی و یادمانگی بسیار متنوع‌اند، اما یک تکرارپذیری ابدی را به نمایش می‌گذارند که وحدتی از اضداد را می‌نمایاند. در اینجا فضا بافت پیوسته‌ای از انواع گوناگون مکان‌ها و فضاها (چه فضای کالبدی به صورت مختلف و چه فضای اندیشه، خیال و تصویر) را به جلوه می‌آورد که فی‌نفسه سلسله مراتبی را تشکیل می‌دهد که در کل سیمایی از نوعی نظم و بی‌نظمی مشترک را به نمایش می‌گذارد که خود نظم دیگری است.



یکی از دونه‌های اصلی که در بدو ورود در میدان دید ناظر قرار می‌گیرد نسبت طلایی



وحدت، انسجام، نظم، تقارن، تعادل، هماهنگی، ریتم، مقیاس انسانی، تناسبات، ترکیب، تضاد و استحکام بصری از ملاحظات هنری است که در طراحی بدنه‌ها به چشم می‌آید



تکرار و توالی در کنار تفوق، تضاد، تقابل و تاکید آنچه در مجموعه کیفیت نقش انگیزی را به دنبال دارد

شکل و ارزش‌های کیفی کالبد فضاهای شهری سنتی ایران ارزش ویژه‌ای دارد که مطالعه آن به فهم جهان احساسی و ادراکی جامعه ما و نهایتاً طراحی مجدد آن کمک می‌کند.

ذهن انسان هم به منظر شکل می‌دهد و هم در منظر شکل می‌گیرد لذا منظر فضای شهری عینیتی حاصل از شکل آن است و نمادی است که ارزش‌های فرهنگی و ایده‌آل‌ها را به طور کالبدی باز می‌نمایاند. به عبارتی از طریق شکل سنت‌های فرهنگی، واقعیات زندگی و تجربیات شخصی به هم متصل می‌شوند. در این رابطه تصاویر و به ویژه طرح‌ها، خود درسنامه‌هایی ارزنده‌اند.

زبان بصری می‌تواند به موازات یا حتی به تقارن با زبان نوشتاری و یا گفتاری عمل کند، اما درک آن و کشف رموز و ویژگی‌های آن دشوارتر است، چرا که در اینجا تنها چشمان "بیننده" کافی نیست. برای آنکه معانی و مفاهیم به ویژه آنچه و رای ظاهر است به طور کامل بر خود و بر دیگران آشکار شوند به تدوین و تحلیل نیاز دارند. برای درک کیفیت‌های شکلی در منظر فضای شهری ایرانی لازم است شخصاً در محل حضور



۱۱ - انعکاس نمای بنا در آب - تمثیلی از صورت خیال اقلیم هشتم در اندیشه ایرانی



۱۲ - تقارن، نظم، ریتم، وحدت، انسجام، هماهنگی، تناسبات، مقیاس، ترکیب، و استحکام بصری همگی در این بدنه مصداق دارند.

دارد. اندیشه باغ بهشت کلیه حواس و نیز روح را مسرت می‌بخشد. حیاط محصور ایرانی نوعی بنای ویژه است که در بافت شهر جای گرفته - بهشتی مخصوص که به واحه‌ای سبز در بیابان شباهت دارد و همین امر موجب ایجاد فضایی می‌شود که روح در آن آرامش خود را باز می‌یابد. و اینجا انسان است که محور طراحی است. انسانی که تبدیل به عدد و رقم آماری نشده، انسانی که نیازهای کالبدی، مادی و فیزیکی او هم سنگ نیازهای معنوی، روحی و ذهنی او مدنظر قرار گرفته است. در طراحی بدنه‌ها نیز رابطه میان عناصر ادا رک شده حاکی از قابلیت بالای نقش‌انگیزی^۳ در ایجاد تصویری به یادماندنی در ذهن بیننده است که این امر سبب سهولت در بازشناسی می‌گردد و شرطی اساسی برای یادآوری و تجدید خاطره یک فضا است.

تکرار مربع‌های محاط شده‌ای که در درون خود درهای مشبک تزئینی چوبی و سردرهای کاشی کاری آبی‌رنگ را قاب نموده است، نحوه مجاورت مدول‌ها و ترتیب آنها که به تناوب با مستطیل‌هایی به عرض نصف همان مربع ترکیب شده‌اند و پیوستگی آنها از کیفیت‌های فضایی^۴ موثر در نقش‌انگیزی است. از کیفیات سازمان فضایی^۵ بنا می‌توان به احساس تعادل^۶ در اثر توزیع متناسب عناصر خصوصاً در محورهای عمودی و افقی اشاره کرد که گاه قرینه و بعضاً غیرقرینه اما متعادل است. تقارن^۷ تناسب^۸ (ارتباط اجزاء نسبت به یکدیگر از یکسو و نسبت به کل از سوی دیگر) و ایجاد سیستم و سلسله‌ای از نسبت‌های تأثیرگذار بر هم (از کل به جزء و بالعکس) و قابلیت پیش‌بینی نوعی نظم که به آسانی قابل فهم است و موجب وضوح^۹ می‌گردد. از کیفیت‌های نقش و زمینه از تجانس^{۱۰} (چوب، آجر، کاشی، آب، باد، خاک) و تضاد^{۱۱} (شدت سایه روشنی که در اثر تونشستگی‌ها در نما به وجود آمده و عملاً سطح دو بعدی نما را عمقی سه بعدی می‌دهد)، ورودی‌ها با پخ ۴۵ درجه مزیت^{۱۲} خود را از نظر ظاهر در تغییر رفتار استفاده کننده به دیده می‌آورند و گنبد خانه مرکزی با تفوق^{۱۳} و با حضور خود بدنه را تحت تأثیر قرار داده تأکیدی^{۱۴} بر فضای زیرین خود که به نحو بسیار زیبا مقرنس کاری شده است می‌گذارد و تکرار^{۱۵} و ریتم^{۱۶} در کیفیت سکانس‌های حرکتی تأثیری به یادماندنی دارد. پس در یک جمع بندی می‌توان ارزش‌های کالبدی مثبت این فضا را در سرفصل‌های زیر دسته بندی کرد:

- تباین فضایی
- وجود سلسله مراتب فضایی
- ادراک فضایی و ایجاد تصویر روشن از کالبد در ذهن بیننده (خاطره‌ای به یاد ماندنی)
- رعایت عرصه‌ها
- کیفیات فضایی نظیر نظم، تنوع، پیچیدگی و کیفیات هنری نظیر ترکیب، ریتم
- درون گرایی
- جواب‌گویی به اقلیم

ناپدید شدن شعبده گونه راهروی بازار در پیش فضای ورودی سرا کشش واضحی به سمت در ورودی سرا به وجود می‌آورد ورودی یادمانی که دخول به سرا تنها با عبور از آن میسر است و اما ورودی مستقیماً از گذر به سرا مربوط نمی‌شود اینجا با سلسله مراتبی از مکان‌ها در ورود مواجهیم: جلوخان، پیش‌طاق، درگاه یا آستانه، هشتی، دالان و نهایتاً قدم نهادن به حیاط - این مطلب یکی از ویژگی‌های اصلی معماری و شهرسازی ایرانی است که نمونه‌های مشابه بسیاری از این دست را در فضا سازی سنتی ایرانی می‌بینیم - به عبارتی با دو حرکت ۹۰ درجه و نهایتاً چرخشی با زاویه ۴۵ درجه فضای بسته، خنک و تاریک را به فضای باز، فاقد سقف، گرم و مشحون از نور می‌پیوندد. در اینجا نیز مطلوب‌های غربی در مورد چگونگی دسترسی، کارایی و عملکرد ورودی چندان مطرح نیستند. در واقع بودن در یک مکان مهم تر از چگونگی رسیدن به آن است. در اینجا پیوندهایی میان فضا با شخص و با هویت او وجود دارد، لمس فضا، حضور در فضا و تجربه آن، چشیدن تجربه ورود به مکانی متمایز - صبر - حس تشخیص، تمایز و لازمه آنها تجربه زمان است در مکان جای - گاه روح انسان و نوازشگر حواس و اندیشه او و دریافت تمایزی که با پاشیده شدن نور روز در حیاط حاصل می‌شود.

در اینجا در بدو ورود به حیاط "نور" است که می‌تابد و نور است که متمایز می‌کند و نور است که مورد تأکید قرار می‌گیرد:

يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

و حیاط انعکاسی می‌شود از بهشت.

واژه پردیس (پارادایز) از حیاط ایرانی اخذ شده است و این حیاط همیشه به وسیله محصوریت^{۱۷} تعریف شده که خود به خود به وجود آورنده جهانی درونگراست. شکل منظم حیات، محصوریت و آب مهم ترین ویژگی آن است تا جایی که آبی آب حیاط، کاشی حوضخانه و خاطره دوردست آن در اشعار شاعران معاصر ما یاد و خاطری از وطن ما ایران می‌شود. این فضای شهری تمام حواس را لذت می‌بخشد تجربه در این فضا هم تجربه‌ای جسمانی و هم روحانی است، رایحه گیاهان نارنج و گل‌ها نوای غلغله زن آب و پرندگان، بافت و نسج کاشی صاف و زمین سخت، آفتاب درخشان و منظر گل‌ها و موزاییک‌های رنگارنگی که در آینه حوض آرام انعکاس یافته و صورتی از عالم خیال را در اندیشه ایرانی عینیت می‌بخشد.

و در کانون آب است که روشنایی است و آب است در هماوایی با نور جلوه ذات حق.

و اینجا است که رنگ آبی تقدس می‌یابد چرا که در طبیعت تنها در بی نهایت است که آبی حاصل می‌شود (عمق آسمان و عمق دریا) و هنرمند ایرانی به زیبایی کاشی آبی را در نما سازی با رنگ آگرخاک می‌آمیزد. این ویژگی‌ها همزمان هم در نمادین و انتزاعی ترین سطح و هم در مستقیم ترین سطح تجربی وجود

- جواب گویی به عملکرد
- رعایت مقیاس انسانی
- منظم بودن شکل فضای باز
- ترکیب متوازن معماری و شهرسازی
- محوریت انسان در طراحی فضا

نتیجه گیری

آنهاست، در تعامل بین آنها که همیشه پیشاپیش ذهن و عین را به هم می پیوندد. در گرفتار بودن ما در جهانی که ما را به خود می خواند و با ما سخن می گوید. لذا آنچه تعالی کالبدی اش نامیدیم نباید تا حد حضور خاموش اشیاء تقلیل یابد.

شهرساز باید محرک نوزایی اندیشه پویا، تعالی احساس و بازانگیزش ارزش هایی باشد که مایه عزت نوع بشرند و آدمی را همواره به فراروی هرچه بیشتر وامی دارند. نویدبخش عشق و زیبایی. پذیرای آن بودن لاجرم یعنی متأثر شدن از آن. منقلب شدن از آن و نهایتاً تعلق یافتن به آن. و همنفس با حافظ شیرازی دعا کند که:

خداوندا نگهدار از زوالش

سرای مشیر نمونه ایست از فضای شهری شهر سنتی ایرانی، مشتی نمونه خروار. در اینجا نگرش رجعت به گذشته با دیدی نوستالژیک نیست. میراث ارزشمندی که صحبت از آن است در واقع صورت ظاهری کالبدی فرهنگ ماست. فرهنگی که پایه و اساس جامعه، حافظ و تداوم دهنده حیات آن است. منظور از حفظ گذشته، درک مفهوم، معنا و محتوای آن و تسری دادن آن به آینده است. به عبارتی شهرساز ما باید توانایی تولید آن چه را در گذشته داشته ایم بازیابد. لذا برای خلق آینده ای ریشه دار، حفظ گذشته ستودنی ضروری است. معنایی که سرای مشیر در ذهن شهروند شیرازی دارد، نه در ذهن شناسنده آن است و نه در عینیات خاموشی که این شناسنده در برابر خود می بیند. بلکه در چیزی است که میان

پی نوشت ها :

۱. محقق برای یافتن ۵ نفری که در پیشرفت کار پژوهشی اش ضروری بود به این نتیجه رسید که به شهری با جمعیت حداقل ۱ میلیون نفر نیاز دارد (ر.ک. به تاجرمان، ۱۳۶۹)
۲. enclosure
۳. ingravibility
۴. space qualities
۵. qualities of spatial organization
۶. balance
۷. symmetry
۸. proportion
۹. clarity
۱۰. conformity
۱۱. contrast
۱۲. advantage
۱۳. dominance
۱۴. emphasis
۱۵. repetition
۱۶. rhythm

فهرست منابع :

- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، "موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران، دوره قاجاریه"، تهران. بنیاد دایرة المعارف اسلامی (۱۳۷۵)، "دانشنامه جهان اسلام - حرف ب - مقاله بازار"، انتشارات بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران. بورکها، تیتوس (۱۳۶۹)، "هنر مقدس"، ترجمه جلال ستاری، نشر سروش، تهران. تاجرمان، ولف (۱۳۶۹)، "تجربه شهری"، پیام یونسکو، شماره ۲۴۸، سال بیست و دوم، تهران. توسلی، محمود (۱۳۶۹)، "شهر در سرزمین های دوره اسلامی"، در هفتاد مقاله: ارمان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی، چاپ یحیی مهدوی و ایرج افشار، تهران. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۶)، جلد ۹، چاپ سیروس، تهران. کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۶)، "شهرهای ایران"، جلد دوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

Weiss, Walter and Kurt-Michael Westermann (1998), "The Bazar, Markets and Merchants of the Islamic world", Thames and Hudson, London.